



ایران: خطر بازگشت برای فعالین سیاسی در تبعید و اعضای کانون دمکراتیک پناهندگان (DVF)

اطلاعات راجع به وضعیت کشورها
توسط SFH
(سازمان سوئیسی کمک به پناهندگان)

نوشته: میکایل کیرشنر

برن، ۲۴ مارس ۲۰۰۶

ترجمه: عقیل جعفری

مقدمه:

سئوالاتی که در مورخه ۱۴ فوریه ۲۰۰۶ به سازمان سوئسی کمک به پناهندگان SFH در رابطه با آنالیز کشورها شد، به قرار زیر می باشد:

- ۱- آیا خطری فعالین و اعضای کانون دمکراتیک پناهندگان (DVF) در صورت بازگشت به ایران تهدید می کند، یا خیر؟
- ۲- آیا خطر خاصی متوجه اشخاصی که در کانون دمکراتیک پناهندگان مسئولیت دارند می باشد یا خیر؟
- ۳- آیا مقامات ایرانی ما بین فعالین سیاسی هدفدار و معتقد که با وجود خطرات زیاد به فعالیت سیاسی می پردازند و عده ای که فقط به جهت گرفتن اقامت در خارج از کشور فعالیت سیاسی می کنند، تفاوتی قائل هستند یا خیر؟ و آیا برای مقامات ایرانی این امکان وجود دارد که این اشخاص را از هم تشخیص بدهند؟
- ۴- چطوری مقامات ایرانی به اطلاعات در رابطه با فعالیت سیاسی ایرانیها در خارج از کشور پی میبرند؟
- ۵- آیا برای این اشخاص قبل از اینکه به ایران باز گرداننده شوند، پرونده قضائی در داخل ایران باز خواهد شد؟
- ۶- آیا در پی انتخاب احمدی نژاد تغییراتی در چگونگی برخورد مقامات ایرانی صورت گرفته است؟

سازمان سوئسی کمک به پناهندگان SFH در طول سالیان اخیر بدقت تحولات داخل ایران را دنبال میکند. از طریق اطلاعاتی که کارشناسان آشنا به مسایل ایران و همچنین اطلاعاتی که خود ما جمع آوری کرده ایم میتوانیم این نکات را بازگو کنیم:

- ۱- آیا خطری فعالین و اعضای کانون دمکراتیک پناهندگان (DVF) در صورت بازگشت به ایران تهدید می کند، یا خیر؟

جواب:

از وقتی که قانون جدید جزایی مورخ ۹ جولای ۱۹۹۶ (ماده ۴۹۸ تا ۵۰۰) تصویب شد و لازم الاجرا گردید هر گونه فعالیت های سیاسی برای مراکز و احزابی که به نظر حکومت ایران دشمن محسوب می شوند تحت تعقیب قانونی قرار خواهند گرفت. راجع به سرنوشت اشخاصی که از طریق قانونی و یا غیر قانونی ایران را ترک کرده و در خارج از کشور تقاضای پناهندگی کرده و تقاضای آنها رد شده (تحت اجبار) به ایران باز گردانده شدند و اشخاصی که در خارج از کشور به فعالین سیاسی پیوستند اطلاعات زیادی در دسترس نیست. یک مجموعه ای که توسط کشور سوئیس این جور کارها را انجام می دهد و دنبال سرنوشت این اشخاص می باشد و همچنین سازمان دفاع از حقوق بشر که مخصوصا راجع به ایرانیانی که از اروپا به کشور بازگرداننده می شوند برای ما ناشناس می باشد. در سال ۲۰۰۵ حکومت ایران به اعضای سازمان مجاهدین خلق که در عراق بودند عفو عمومی داد. سازمان مجاهدین خلق داوطلبانه به حدود ۳۰۰ نفر از اعضای خود در عراق که مایل بودند از این عفو عمومی استفاده کنند اجازه داد به ایران برگردند.

وزارت امور خارجه آمریکا در ماه مارس ۲۰۰۶ گزارش داد که این اشخاص پس از ورود به ایران راجع به فعالیتشان و اطلاعاتشان توسط مامورین حکومتی مورد بازجویی واقع شدند. در پی گزارشاتی که از داخل ایران بدست آمده بازگوی این نکته است که مامورین حکومتی مخصوصا اشخاصی که مقالات ضد حکومتی علیه شورای نگهبان و رهبری نوشته و این مقالات را از طریق اینترنت انتشار داده اند دستگیر شده و در دادگاه های رژیم محکوم گشته اند. وزارت امور خارجه انگلیس در تاریخ جولای ۲۰۰۵ هم نوشت که این جور اشخاص پس از ورود به داخل ایران مورد اذیت و آزار واقع شده اند و دستگیر میگردند. سازمان امور مهاجرین دانمارک در تاریخ ژانویه ۲۰۰۵ هم راجع به این موارد و همچنین شرکت این اشخاص در تظاهرات ضد رژیم در خارج از کشور تحقیقات زیادی انجام داد.

از زمانی که احمدی نژاد محافظه کار به ریاست جمهوری منسوب شد ما می بینیم که در ایران یک تغییرات اساسی در حکومت صورت گرفته و نتیجه این تغییرات در آینده خودش را نشان خواهد داد. تمامی گزارشاتی که راجع به سرنوشت ایرانیانی که در خارج از کشور تقاضای پناهندگی کرده و پس از جواب منفی مجبور شدند بزور به ایران برگردند به زمان قبل از ریاست جمهوری احمدی نژاد برمیگردد. (نگاه کنید به جواب ۶)

کانون دمکراتیک پناهندگان (DVF) توسط دکتر مجید مشیدی در تاریخ آگوست ۲۰۰۴ تاسیس گردید و یک گروه از ایرانیانی است که مشخصاً در سوئیس فعال هستند. این کانون مجموعه ای است که در خارج از کشور فعالیت سیاسی دارند و این مجموعه در داخل ایران هوادارانی ندارند. **کانون دمکراتیک پناهندگان** در تاریخ نوامبر ۲۰۰۵ ثبت شده می باشد. **کانون دمکراتیک پناهندگان** شامل بخش زنان و همچنین دارای ماهنامه بنام **کانون** هست که هر ماه یک بار منتشر میشود.

بر طبق اطلاعات ما آقای **دکتر مجید مشیدی** از سال ۱۹۸۹ تا ۱۹۹۴ در سوئیس برای سازمان مجاهدین خلق فعال بودند و در تاریخ ۱۹۹۲ در هجوم به سفارت رژیم در برن شرکت داشته و در سال ۱۹۹۴ "جنبش" را پایگذاری کرد و در سال ۲۰۰۰ جنبش تغییر نام داده و به نام حزب سوسیالیست ایران فعالیت خود را آغاز کرد. در سال ۲۰۰۳ نماینده پناهندگانی بود که در زوریخ اعتصاب غذا کرده بودند و حتی سازمان امور پناهندگی سوئیس BFM، سازمان صلیب سرخ (SRK) و UNHCR کمیسریای عالی پناهندگان سازمان ملل در این مورد فعال شدند. در آگوست ۲۰۰۴ **دکتر مجید مشیدی** از حزب سوسیالیست ایران جدا شد و **کانون دمکراتیک پناهندگان** را تاسیس کرد. بر طبق اطلاعات ما آقای **دکتر مجید مشیدی** هسته اصلی مخالفین جمهوری اسلامی در داخل سوئیس می باشند. نام اشخاصی که به هر طریق در ارتباط با شخص آقای **دکتر مجید مشیدی** می باشند و در (تظاهرات و یا انتشارات) این مجموعه نام برده میشود برای ما مورین حکومت اسلامی به راحتی قابل یافتن میباشد.

کانون دمکراتیک پناهندگان در صفحه اینترنتی خود به تظاهرات مختلفی فراخوان می دهد که این تظاهرات مطالبات زیر را در نظر دارد:

- براندازی جمهوری اسلامی
- افشای ۲۷ سال جنایات رژیم در حق مردم ایران
- در اثر فاشیست اسلامی، جامعه به سانسور مجبور شده است. افراد زیادی از نویسندگان، روزنامه نگاران و تحصیل کردگان دستگیر شده اند. جمهوری اسلامی تبدیل شده است به یک مرکز آموزش تروریستی که از طریق ایران به تمام جهان فرستاده میشوند.
- درخواست کانون دمکراتیک پناهندگان این است که ایران از سازمان ملل اخراج گشته و یک دادگاه بین المللی تشکیل گشته که جنایات رژیم جمهوری اسلامی را مورد بررسی قرار دهد.

همچنین در اولین ماهنامه کانون بتاريخ ژانویه ۲۰۰۶ میتوانیم این اهداف را در داخل این ماهنامه ببینیم:

- افشای ماهیت رژیم اسلامی و روحانیون حاکم بر ایران (...)
- برگزاری سخنرانی و تظاهرات اعتراضی علیه رژیم اسلامی و حمایت از حقوق بشر (...)

جهت گیری این کانون در رابطه با احزاب مختلفی (مثل هواداران پادشاهی و دمکرات و اسلاميون و مارکسیست ها) را می توان دمکرات معرفی کرد. بر طبق اساسنامه اش، کانون می خواهد که اهداف خویش را از طریق مسالمت آمیز بدست بیاورد. از زمان تاسیس، این کانون توانست که فعالیت خود را افزایش دهد. هدایت این کانون توسط رییس و هیئت اجرایی و مسئولین کانتون های مختلف صورت میگیرد. بر طبق اعلامیه های کانون، این مجموعه شامل ۲۲۰ عضو می باشد که هسته اولیه از حزب سوسیالیست ایران به خاطر اختلاف عقیده جدا شده و به این کانون پیوسته اند و این مجموعه یکی از فعالترین گروه ضد رژیم در سوئیس است و در هر ماه معمولاً چهار تظاهرات انجام میدهند. این کانون را نباید با اتحاد بین المللی پناهندگان ایرانی اشتباه گرفت و ارتباط کانون با گروه نامبرده با هم انجام میدهند برای ما شناخته شده نیست و ما از آنها اطلاع نداریم. همچنین کانون با سایر گروه های ایرانی شناخته شده در آمریکا و اروپا ارتباط چندانی ندارد.

- ۲- آیا خطر خاصی متوجه اشخاصی که در کانون دمکراتیک پناهندگان مسئولیت دارند می باشد، یا خیر؟
- ۳- آیا مقامات ایرانی ما بین فعالین سیاسی هدفدار و معتقد که با وجود خطرات زیاد به فعالیت سیاسی می پردازند و عده ای که فقط به جهت گرفتن اقامت در خارج از کشور فعالیت سیاسی می کنند، تفاوتی قائل هستند یا خیر؟
- و آیا برای مقامات ایرانی این امکان وجود دارد که این اشخاص را از هم تشخیص بدهند؟

جواب ۲ و ۳:

برای هر کسی این امر ثابت شده است که سازمان اطلاعاتی رژیم اسلامی سالهاست که اعمال فعالین تبعیدی ایرانیان در خارج از کشور را تحت نظر دارد و سیستماتیک جاسوسی میکند. این مسئله حتی در حکم دادگاه دوسر دولف در آلمان به تاریخ ۲۳ سپتامبر ۲۰۰۵ ثابت شده است. در این حکم آمده است:

" در ابتدا مسئله مهمی که از یک طرف باعث تفاوت بین اعمال غیر مهم و اعمالی که تنها جهت نمایش دادن خویش بعنوان شخص ضد رژیم منتهی میشود و از طرف دیگر برای اشخاص دیگری که واقعا بعنوان شخص انتقادگر از وضع موجود در ایران وارد گروه های ضد رژیم میگردد این امر را به اثبات میرساند که سازمان جاسوسی ایران در آلمان وضعیت این اشخاص را با کمال قدرت دنبال کرده و سعی میکند که این اعضا و هواداران این گروه ها و همچنین اشخاصی که در تظاهرات ضد رژیم و یا مشابه این اعمال عکس آنها را گرفته و برای آنها پرونده سازی میکند."

حکم دادگاه دوسر دولف آلمان، حکم شماره (2 K 4125/03.A) مورخه ۲۳.۰۹.۲۰۰۵ صفحه ۷

همچنین در طی سالیان اخیر برای مامورین کشوری اروپایی و سوئیسی این مسئله نمایان شده است که:

۱. سازمان جاسوسی رژیم ایران همه سعی و تلاش خود را در جهت پرونده سازی برای اشخاصی انجام میدهد که صرفنظر از مشارکت در مراسم ها و تظاهرات یک مسئولیت مقام بالای در یکی از گروه ها به عهده گرفته و جزو ایرانیان ناراضی مشهور شده باشد. این شخص بعنوان فرد خطرناک و مهم در مقابل رژیم تهران طبقه بندی می شود (...)

۲. در کل افرادی جزو کسانی محسوب نمیشوند که خطر تحت تعقیب آنها را تهدید میکند که فقط دلایل زیر را برشمارند:
- عضو گروه های پناهندگی ایرانی در خارج از کشور که فعالیت آنها در ایران ممنوع باشد.
- شرکت در تجمعات و تظاهرات گروه های ضد رژیم و همچنین حمل پلاکات و دادن شعارها
- شرکت در مجالسی که شامل میز کتاب و یا پخش کردن اعلامیه ها به افراد عامی در خیابانها (...)

۳. کیفیت این اعمال (بعنوان مثال شرکت در تظاهرات و یا اعتراضات) نمیتواند این نظریه را تغییر دهد، چون بالا رفتن کیفیت اعمال ضد رژیم در سطح پایین تنها باعث این نمیشود که کیفیت کل این اعمال تغییری صورت بگیرد. حتی آن شخص که در طول زمان زیاد در تظاهرات و اجتماعات ضد رژیم شرکت داشته و مشخص است که او این اعمال را جهت خود نشان دادن انجام میدهد برای جاسوسان رژیم تنها یک انسان ناراضی است و خطر چندانی برای حکومت تهران ندارد.

در مجموع به نظر این احکام تنها عضو و یا فعال بودن باعث به خطر افتادن جان این اشخاص نمیشود، بلکه موقعیت و منصب این اشخاص (مانند رییس یک گروه تبعیدی) و چگونگی اعمال ضد رژیم (مانند اعتراضات خشونتی) مهم میباشد. بر طبق نظر اداره حافظ قانون اساسی در آلمان اشخاصی جانشان در خطر است که:

- ۱- هدایتگر و یا مسئول گروهی باشند و یا خود را برای این گروه ها کاندیدا کنند.
- ۲- در اجتماعاتی که مخصوص مسئولین در نظر گرفته شده شرکت کنند و جزو افراد حاشیه ای نباشند.
- ۳- مسئول روابط عمومی و یا سردبیر روزنامه گروه مزبور باشند و یا مسئولیت مالی این گروه ها را به عهده داشته باشند.

گروههایی که در آلمان جزو این مجموعه ها باشند و مسئولین آنها جزو اشخاصی که جانشان در خطر است عبارتند از:

- گروه همبستگی - اتحادیه بین المللی پناهندگان ایرانی (IFIR)
- حزب کمونیست ایران (API)
- حزب مشروطه خواهان ایران
- حزب دمکرات کردستان ایران (KDPI)

۴- چطوری مقامات ایرانی به اطلاعات در رابطه با فعالیت سیاسی ایرانیها در خارج از کشور پی میبرند؟

جواب:

به چه طریقی مقامات ایرانی در سوئیس و یا نفوذی های آنها در گروه های ضد رژیم، اطلاعات جمع میکنند برای ما ناشناخته است. اما یک مسئله بدون شک و تردید می باشد که حتی برای مامورین ایرانی کلیه اطلاعات عمومی و کشوری و اروپایی در دسترس میباشد.

دلیل اینکه تحولات داخل سوئیس برای مامورین ایرانی حائض اهمیت میباشد میتوان به نکته اشاره کرد که دولت سوئیس یک گفتگوی دوجانبه با حکومت ایران جهت مسائل حقوق بشر در ایران شروع کرده است. از طرف دیگر بانک های **UBS** و **CS** کلیه مبادلات تجاری و بانکی خود را با حکومت ایران به حالت تعلیق در آوردند. تنها ایرانیان پناهنده از این فائده مستثنی هستند. در فوریه ۲۰۰۶ تعداد پناهندگان ایرانی در سوئیس ۱۱۵۶ نفر بودند. همچنین سفارت سوئیس در تهران حافظ منافع آمریکا در ایران هستند، چون آمریکا در ایران سفارتخانه ندارد. مسئله دیگری که گروه های ضد رژیم را به مرکز ثقل افکار عمومی در جهان تبدیل کرده است، کشاکش اتمی ایران میباشد.

در یکی از احکامی که کمیسیون تجدید (ARK) بناریخ ژانویه ۲۰۰۶ در جواب یک پناهنده ایرانی که مقالات ضد رژیم نظر در صفحه اینترنتی کانون دمکراتیک پناهندگان انتشار داده، استدلال آورده است که:

"اینترنت به یک رسانه همگانی تبدیل شده است که در این بین توسط میلیونها نفر روزانه دیده میشود و همچنین گروه ها و شرکتهای مختلف جهت افکار خودشان مورد استفاده قرار می گیرند. هر روز هزاران مقاله در اینترنت منتشر میشود. با توجه به این مطالب برای ما احتمال اندکی وجود دارد که مقامات ایرانی این همه مقالات را دریافت کرده و اسامی آنها را داشته باشد، حتی با اینکه سانسور در ایران وجود دارد."

این دلیلی که کمیسیون اعتراضات پناهندگی سوئیس آورده است ناقص وضعیت دانشی امروزه در باره تکنولوژی اطلاعاتی و استفاده از آنها میباشد.

طبق بررسی هایی که سازمان سوئیس کمک به پناهندگان در رابطه با آنالیز کشورها صورت داد، میتوان نتیجه گرفت که صفحه اینترنتی و مقالات پناهجویان ایرانی در صفحه **کانون دمکراتیک پناهندگان** را به سادگی میتوان پیدا کرد، در زمانی که در صفحه جستجوگر گوگل (www.google.com) لغات ایران، پناهنده و یا پناهنده ایرانی را در قسمت صفحات اینترنتی سوئیس بدهید و وقتی که با استفاده از کلمات فارسی این لغات را به جستجوگر گوگل داده و صفحه مخصوص سوئیس را کلیک کنید، تنها همین یک صفحه (صفحه اینترنتی کانون) هویدا میشود. جستجو هایی که در رابطه با سایر گروه های ضد رژیم در اینترنت صورت گرفت نتایج مشابه ای را نشان داد.

ما شما را به این نکته معطوف میکنیم که مقامات ایرانی با کمک گرفتن از یک شرکت آمریکایی بنام **Secure Computing** صاحب دستگاه فیلتر گذاری هستند که مقادیر زیادی از مطالب اینترنتی را جلوگیری می کند. این فیلتر گذاری مخصوصا شامل صفحاتی میشود که حاوی مطالب سیاسی-جنسی و امور مربوط به زنان میباشد و ورود حدود یک سوم صفحات اینترنتی در ایران ممنوع است. بررسیهایی که توسط متخصصین امور ارتباطی صورت گرفته این موارد را تایید میکنند. در هر صورت می توان به جرات ادعا کرد که محتوای صفحه **کانون دمکراتیک پناهندگان در ایران فیلتر گذاری می شود**. جدا از مقاصد فیلتر گذاری میتوان از این تکنولوژی جهت **استراق سمع کردن** مورد استفاده قرار گیرد.

کلا در رابطه با فعالین سیاسی یک سؤال اینجا مطرح میشود که چطوری مقامات ایرانی ورود این همه اطلاعات به کشور را جلوگیری میکنند؟ آیا مقامات ایرانی میتوانند این همه مطالب اینترنتی را که در خارج از کشور منتشر میشود هدفمندانه مطالعه کرده و آنها را مورد بررسی قرار دهند؟

برای همه این امر ثابت شده هست که مقامات ایرانی مثل کشورهای اروپایی صاحب اداره ای هستند که جهت تجزیه و تحلیل کردن و پیشگیری-مانند پلیس اینترنتی- کلیه مطالب این صفحات را بدون فیلتر میتوانند دسترسی داشته باشند.

ما شما را به این نکته واقف میکنیم که امروزه هر شخصی میتواند در صفحه www.googlealert.com مشخصات خود را عمومی کند. از نگاه تکنیکی و با استفاده از این ابزارها و استراق سمع هدفمندانه میتوان به این نتیجه رسید که مقامات ایرانی بدون اینکه هزینه زیادی صرف کنند به اطلاعات مورد جستجوی خویش در ایران و یا در اروپا دسترسی پیدا میکنند.

۵- آیا برای این اشخاص پرونده قضایی در داخل ایران باز خواهد شد، قبل از اینکه اینها به ایران بازگردانده شوند؟

جواب:

بر طبق قانون تعزیرات مورخه ۹ جولای ۱۹۹۶ و ماده ۴۹۸ تا ۵۰۰ کار سیاسی در یک گروه ضد رژیم در خارج از کشور جرم محسوب میباشد. این گونه اشخاص میتوانند غیابا محاکمه شوند. بر طبق گزارش هیئت پناهندگی کانادا امکان هست که در غیاب این اشخاص در ایران محاکمه آنها در دادگاههای ایران شروع شود. همچنین طبق قوانین ایران این جور محاکمات غیابی قابل اجرا میباشد. بر ضد محکومیت احتمالی میتوان دادگاه تجدید نظر را تقاضا کرد.

۶- آیا در پی انتخاب احمدی نژاد تغییراتی در چگونگی برخورد مقامات ایرانی صورت گرفته است؟

جواب:

از زمانی که احمدی نژاد که به محافظه کاری مشهور است در تاریخ ژوئن ۲۰۰۵ به ریاست جمهوری رسید ادامه تغییر سیاسی بود که در اوایل سال ۲۰۰۴ شروع شده بود و نتایج آن بعدا خودش را نشان خواهد داد. رئیس جمهور احمدی نژاد برای تشکیل یک دستگاه جاسوسی و امنیتی آمده است که سپاه پاسداران آن را رهبری می کند. او یکی از مقامات رده بالای واحد مخصوص سپاه بود که مهمترین وظایف این واحد سرکوب و دستگیری مخالفین حکومت در ایران میباشد. بعدا او فرمانده واحد مخصوص "قدس" سپاه شد که مسئول ترورهای متفاوتی در خارج از کشور میباشد.

به نظر ما سیاست اشخاصی که در دوران اصلاحات (بین ۱۹۹۷ تا ۲۰۰۵) چه در داخل و چه در خارج بر سر قدرت بوده اند به علت سهل انگاری شکست خورده است. نکاتی که در بالا راجع به اعمال مامورین ایرانی آمده است، به زمان بعد از ریاست جمهوری احمدی نژاد برمیگردد. هیچ کدام از منابع موثقی که ما می شناسیم، نمی خواستند راجع به تغییر وضعیت بعد از به ریاست جمهور رسیدن احمدی نژاد چیزی بگویند. همانطور که در جواب ۴ آمده است و در آن دلایلی که کمیسیون اعتراضات پناهندگی سوئیس به تاریخ ژانویه ۲۰۰۶ در جواب منفی دادن به یک ایرانی آورده است هیچ اشاره ای به عوض شدن شرایط بعد از به قدرت رسیدن احمدی نژاد نشده است.

در باره اخبار جدید راجع به چگونگی اعمال مقامات ایرانی میتوان به مجمع بین المللی مهاجرت اشاره کرد که از حدود سپتامبر ۲۰۰۴ شروع به آموزش و یاد دادن کارمندان ایرانی در رابطه با مهاجرت و پناهندگی میکند. پیداست که دلایل این آموزش برای مقامات ایرانی به این مطلب بر میگردد که این مقامات در حال حاضر نمیتوانند احتیاجاتشان را در زمینه پناهندگی رفع کنند. برای ما محرز نشده است که تا چه حدودی آموزش محدود این مقامات ایرانی در سطح محلی- منطقه ای و کشوری تأثیرات خودش را نشان بدهد.

در انتخابات سال ۲۰۰۴ محافظه کاران اکثریت دوباره خود را در مجلس بدست آوردند. از زمانی که احمدی نژاد نتوانسته است وعده و وعیدهای خود را که در طی مبارزات انتخاباتی و بعد از انتخاب شدن اعلام کرده بود بر آورده کند، بر طبق نظر متخصصین امور مربوط به ایران دستگاه قدرت با سرعت هر چه تمام عوض شدن طریقه عمل خود را به پیش میبرد. در اوایل نوامبر ۲۰۰۵ حکومت ایران ۴۰ نفر از سفیرای خود را در کشورهای اروپای غربی و امریکای شمالی عوض کرد، که این اشخاص برای بهتر شدن روابط ایران با غرب تلاش میکردند. در راس مهمترین وزارتخانه ها در ایران افرادی مدیر و یا صاحب مقامات ارشد شدند که قبلا در سپاه پاسداران و یا سازمان جاسوسی کار میکردند. وسایل ارتباط جمعی را مرعوب کردند و تحت کنترل خویش گرفته اند. بر طبق گزارشی که سازمان

Human Rights Watch بتاريخ دسامبر ۲۰۰۵ داد این مطلب گویا است که در کابینه جدید اشخاصی حرف اول را میزنند که مانند وزیر کشور مصطفی پور محمدی و وزیر اطلاعات غلامحسین محسنی اژه ای که ید طولانی در نقص فاحش حقوق بشر دارند و شخصا در این جور عملیات ها حضور داشتند.

بخاطر عوض شدن مقامات ایرانی و مامورین جاسوسی رژیم در خارج و داخل کشور که تا امروز هم همچنان ادامه دارد و زیاد شدن فشارهای خارجی و داخلی (به خاطر وعده های انتخاباتی توسط رئیس جمهور) بر رژیم ایران میتوان به این نتیجه رسید که عکس العمل مقامات ایرانی نسبت به پناهندگان سخت تر شده است. به خاطر همین مسائل ما باید نسبت به عکس العمل مقامات ایرانی در برخورد با پناهندگانی که به ایران (به زور) بازگرداننده میشوند یک جستجوی جدیدی را دوباره انجام بدهیم. بدلیل اینکه تغییراتی که در سیاست ایران انجام شده زمان زیادی نگذشته است و اینکه در آینده چه تاثیراتی را در پی خواهد داشت، حتی برای متخصصین امور مربوط به ایران چه در داخل و چه در خارج قابل پیشگویی نیست.